

بررسی رابطه جهت میانه و مجهول در زبان ایتالیایی

زهرا اسماعیلی فرد*

استادیار دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۲۳، تاریخ تصویب: ۸۹/۲/۲۸)

چکیده

در کتاب‌های دستور ایتالیایی تنها از دو جهت فعل، صحبت شده است، اما اگر از دیدگاه کاربردشناختی به مجهول نگاه کنیم، آن را هم چون یکی از ابزارهای زبانی برای نشان دادن نگرش و منطقی متفاوت به یک رویداد می‌بینیم. در این مقاله، تغییر منظر گوینده را، با توجه به نظریه ظرفیت، بررسی می‌کنیم. بنابراین نظریه، هر فعل، بر اساس ظرفیتش، از پیش مشخص می‌کند که در چه محیط نحوی ظاهر می‌شود و چه سازهایی باید و یا می‌توانند هم‌نشین آن شوند. بنابراین با تغییر در ظرفیت فعل، از جمله با کاهش ظرفیت آن، می‌توانیم سازه‌ها و در نتیجه ساختار جمله را تغییر دهیم و این یکی از راه‌های بیان یک عمل از منطقی متفاوت است. در همین چارچوب می‌کوشیم نشان‌دهیم زبان ایتالیایی دارای سه جهت معلوم، میانه و مجهول است که در جهت میانه عنصر مجهول غالب است. همچنین سازوکارهایی که برای ساخت‌های مجهولی و میانه به کار می‌رود، نشان داده خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: مجهول، مجهول میانه، کنش‌پذیر، کنشگر، زبان ایتالیایی، فریبگی

مقدمه

میان نقش‌های معنایی و نقش‌های نحوی رابطه‌ای وجود دارد. اگر نقش معنایی کنشگر در جایگاه نهاد قرارگیرد، جهت فعل معلوم است و اگر کنش‌پذیر در این مکان بنشیند، جهت فعل مجهول است. جهت میانه، حد وسط معلوم و مجهول است، زیرا نهاد جمله نمی‌تواند کنشگر و یا کنش‌پذیر باشد، بلکه عنصری از هر دو را دارد. در این جهت، کنش کنشگر برای خود یا به نفع خود اوست و خود متأثر از عمل فعل است.

در خانواده زبان‌های هند و اروپایی به طور عمده از سه جهت معلوم، مجهول و میانه سخن گفته می‌شود. برای برخی از زبان‌ها، از اصطلاح «مجهول میانه» هم استفاده می‌شود که هم جهت میانه و هم جهت مجهول را در بر می‌گیرد. زبان هند و اروپایی نخستین که فرضی است و از طریق بازسازی به دست آمده، دارای مجهول میانه بوده‌است و به تدریج جهت میانه در زبان‌های کنونی این خانواده، جای خود را به جهت مجهول داده‌است (ویکی پدیا، ۲۰۰۹: ۱۵-۱۲).

ایتالیایی یک زبان نولاتینی از این خانواده است که با گذر زمان دچار دگرگونی‌های بسیاری شده‌است. این دگرگونی‌ها از نظر «جهت»، ساخت و نیز کاربرد قابل توجه و بررسی‌اند. در زبان لاتین، هر دو جهت معلوم و مجهول از طریق تصریف فعل ظاهر می‌شدند:

۱- او شعر می‌خواند *poemam legit*

۲- شعر خوانده می‌شود *poema legitur*

نیز هر مصدر صورت خاصی برای معلوم و صورت خاص دیگری برای مجهول داشت (Oerberg ۶۳-۶۵)، اما شیوه‌های بیان جهت در ایتالیایی به کلی متفاوت و متنوع است.

در کتاب‌های دستور زبان ایتالیایی که برای آموزش در مدارس ایتالیا و یا تدریس به‌خارجیان نوشته شده‌اند.

(Sambugar, 1964, 193-199; Ciliberti, 1973: 230-241; Pugliese, 1974: 111-114; Katerinov, 1975: 111-115, 1985: 422-430; Savino, 1991, 158-9; Pittano, 1987: 284-6)

فقط به دو جهت معلوم و مجهول در این زبان اشاره شده است. از میان ساخت‌های مجهول هم به طور عمده فقط به جابجایی کنش‌پذیر و کنشگر اشاره شده‌است، اما در واقع چنین نیست و باید این موضوع بیشتر بررسی شود.

در مطالعه مجهول، دیدگاه‌های مختلفی لحاظ می‌شود، در این جا از نظر کاربردهای به

آن پرداخته می‌شود و با توجه به «نظریه ظرفیت» (Valence Theory) ساخت‌ها بررسی و توجیه می‌شوند. بنابراین نظریه، «ظرفیت» توانایی یک فعل، یا صفت، یا حرف اضافه است که از قبل محیط نحوی بروز خود را مشخص می‌کند و محدودیت‌هایی را، با توجه به ویژگی‌های نحوی بر سازه‌های اطرافش اعمال می‌کند. این مفهوم با مفاهیم سنتی «حاکمیت»، «متمم‌سازی» و «نقش‌های تنایی» هم‌پوشی دارد (دیکشنری راتلیج ۵۱۰). ظرفیت، در سطوح مختلف دستورقابل بررسی است. نحو سنتی، ساختار نحوی جمله و نظریه ظرفیت ساخت معنایی جمله را توصیف می‌کند. بر اساس آن یک فعل ظرفیت یا قدرت جذب تعدادی متمم و ادات را دارد و همین می‌تواند به ساخت‌های نحوی مختلف بیانجامد. در میان جهت‌ها، جهت معلوم حالت بی‌نشان است.

مجهول از دیدگاه کاربردشناختی

در گذر از جمله معلوم به مجهول، به ویژه در مجهول‌های سنتی که ارتقای مفعول به فاعل رخ می‌دهد، با تغییر معنی کلی جمله مواجه نیستیم، بلکه تأکید روی بخش دیگری از جمله گذاشته می‌شود. شیباتانی (Shibatani) در این زمینه می‌گوید (۱۶۹) اولین نقش کاربردشناختی مجهول، تمرکززدایی عامل عمل و کنشگر است، در حالی که به لحاظ معنی شناختی، نهاد جمله مجهول به گونه‌ای تأثیر پذیرفته است. به لحاظ نحوی کنش‌پذیر در جای نهاد می‌نشیند و کنشگر دیگر رمزگذاری نمی‌شود، بدین ترتیب یکی از ظرفیت‌های فعل در مجهول کاهش می‌یابد، در حالی که برخی مجهول‌ها برد وسیع‌تری دارند. از نظر ساخت‌واژه هم گزاره مجهول، نشانه خاصی از مجهول شدن دارد. سعید می‌گوید (۱۴۹-۱۳۹) از جمله اطلاعات واژگانی ذخیره شده در هر فعل نیازهای آن فعل به موضوع (argomento) و یا ظرفیت‌های آن و شبکه نقش‌های موضوعی آن فعل است، چون گوینده با انتخاب یک فعل در چارچوب ظرفیت آن و شبکه نقش‌های موضوعی آن، به ساخت موقعیت دست می‌زند و روابط دستوری لازم برای این نقش‌ها را انتخاب می‌کند. بنابراین معنای فعل و ظرفیت‌های آن و نقش‌های موضوعی که می‌تواند بپذیرد، ابزار مناسبی به دست گوینده می‌دهد تا انتخاب‌های مختلفی انجام دهد و موقعیت‌های مختلفی را بیافریند. در ساخت مجهول در زبان‌ها، کنش‌پذیر در جایگاه نهاد قرار می‌گیرد و فعل به شکل مجهول ظاهر می‌شود. این تغییرات کمک می‌کنند تا گوینده از منظر دیگری، یعنی از منظر کنش‌پذیر، موقعیت را توصیف کند، به طوری که حتی گاهی هویت کنشگر به طور کامل پنهان می‌ماند (همان ۱۶۵-۱۵۵).

تغییر منظر و به طور کلی تغییر ساخت اطلاعات در زبان‌های مختلف گوناگون است، تغییر تکیه و آهنگ و جابه‌جایی سازه‌ها از رایج‌ترین شیوه‌هایند که در زبان ایتالیایی هم کاربرد دارند. مبتداسازی و حرکت یک سازه به‌چپ یا راست گزاره و اسنادسازی از راهبردهای متداول زبان ایتالیایی برای تغییر ساخت اطلاعات و تغییر منظر به‌شمار می‌روند. این تغییر منظر در ساخت مجهولی درجات مختلف و تأثیرات کاربرشناختی متنوعی دارد دانلر Danler (۳۰۵). آندره آسانسو (Andrea Sanso) نیز با مقایسه ۱۰۰۰ جمله مجهول در دو زبان ایتالیایی و اسپانیایی می‌نویسد (۲۰۰۱) مجهول سستی که مبتداسازی نقش معنایی کنش‌پذیر است، در اسپانیایی به طور قاطع نقش مبتداسازی را دارد، اما در ایتالیایی در ۷۰٪ موارد چنین کارکردی دارد. او در واقع معتقد به دو دسته مجهول مبتداساز و غیر مبتداساز است. مجهول‌هایی که ترتیب کلمه vs را دارند، مبتداساز نیستند و آن‌هایی که از ترتیب کلمه sv برخوردارند، مبتداسازند. از نظر او مجهول انعکاسی، مبتداساز نیست. به هر حال عنصر معنایی مشترک در مجهول مبتداساز و غیرمبتداساز، کانون‌زدایی کنشگر است، اما در اولی کنش‌پذیر مبتدای جمله می‌شود و در دومی هیچ یک از موضوعات معنایی فعل در کانون توجه قرار ندارند. تفاوت‌های بروز انواع مجهول بی‌شک به دلیل تنوع سبکی در ساختارهای متنی است. بنابراین در ایتالیایی هم اصلی‌ترین نقش انواع مجهول، کانون‌زدایی کنشگر است.

انواع جهت در ایتالیایی

همان‌طور که پیشتر گفته شد، در این مقاله بررسی انواع جهت با توجه به ظرفیت فعل و امکان تغییر آن انجام می‌گیرد. ممکن است فعل در ایتالیایی صفر، یک، دو و یا سه ظرفیت داشته باشد.

برای مثال فعل dare دارای سه ظرفیت است، به این شکل:

N-V-N₁-N₂

اولین اسم بعد از فعل، مفعول بی‌واسطه و دومین اسم، متمم بهره‌ور است.

Luigi da` il suo libro a Mario

۳- به ماریو کتابش را می‌دهد لوئیجی (لوئیجی کتابش را به ماریو می‌دهد)

فعل scrivere دو ظرفیت دارد، به این شکل:

N-V-N₁

Luigi scrive una lettera

۴- نامه‌ای را می‌نویسد لوئیجی (لوئیجی نامه‌ای را می‌نویسد)
فعل partire یک ظرفیتی است: N-V

Luigi parte

۵- عزیزت می‌کند لوئیجی (لوئیجی عزیزت می‌کند)
Piovere یک فعل صفر ظرفیتی است: V

۶- می‌بارد piove

مسئله جهت در زمینه فعل‌های دو و سه ظرفیتی مطرح است، چون فعل‌های صفر و یک ظرفیتی تنها با جهت معلوم به کار می‌روند. در مجهول سستی آن چه رخ می‌دهد، تنها ارتقای کنش‌پذیر به جایگاه نهاد نیست، بلکه از همه مهم‌تر کاهش ظرفیت فعل است. فعل دو یا سه ظرفیتی، دیگر به یکی از موضوعات خود نیاز ندارد و الگوی ساختاری و ظرفیت جمله پردازش‌اش تغییر می‌کند. بنابراین جهت مجهول، امکانی گرامری برای کاهش ظرفیت فعل ارائه می‌دهد.

جمله معلوم N-V - N₁

و جمله مجهول N - V - (N₂)

اگر چنین دیدگاهی را در نظر بگیریم، می‌توانیم ببینیم در زبانی همچون ایتالیایی چه جهت‌هایی وجود دارد.

جمله‌های زیر را با هم می‌بینیم:

Luigi comincia la lezione alle 10

۷- ساعت ۱۰ درس را شروع می‌کند لوئیجی (لوئیجی درس را ساعت ۱۰ شروع می‌کند)

La lezione viene cominciata da Luigi alle 10

۸- ساعت ۱۰ توسط لوئیجی شروع می‌شود درس (درس ساعت ۱۰ توسط لوئیجی

شروع می‌شود)

La lezione comincia alle 10

۹- ساعت ۱۰ شروع می‌شود درس (درس ساعت ۱۰ شروع می‌شود)

Si comincia la lezione alle 10

۱۰- ساعت ۱۰ درس شروع می‌شود

فعل شروع کردن در ایتالیایی فعلی دو ظرفیتی است، در جمله اول کاملاً مشخص است

که کنشگر در جای نهاد است و یک جمله معلوم است.

در جمله‌های بعد، این فعل با یک ظرفیت آمده است. در جمله دوم می‌بینیم کنشگر از جایگاه نهادی خارج شده و با حرف اضافه به صورت یک متمم اختیاری ظاهر شده است. درس هم که موضوع ثانوی بود به آغاز جمله منتقل و نهاد جمله را تشکیل می‌دهد. صورت فعلی هم تغییر کرده است. همه این موارد نشانگر آن است که این ساخت مجهول است و همان است که به طور سنتی مجهول خوانده می‌شود.

در جمله سوم فعل تک ظرفیتی است و نهاد عنصری غیرکنشگر است که به لحاظ معنایی با جمله دوم فرق چندانی ندارد، جز این که کنشگر به طور کلی حذف شده است و فعل به صورت معلوم آمده است. تکلیف این جمله از نظر جهت چیست؟

در جمله چهارم هم فعل تک ظرفیتی است و معنی با دو جمله قبل کم و بیش همانند است. هیچ موضوعی در جایگاه نهاد قرار نگرفته و «درس» هم در جایگاه خود، پس از فعل، قرار دارد، اما تمایز آشکار آن با جمله قبل، ظهور یک عنصر مجهول‌ساز به شکل "si" است. تکلیف این جمله هم باید روشن شود.

در جمله سوم فعل شروع کردن به صورت معلوم ظاهر شده است، اما عملی مجهول را بیان می‌کند، به عبارت دیگر به لحاظ نحوی معلوم است، اما از حیث معنایی مجهول است. به این ویژگی جهت میانه (middle voice) می‌گویند که در زبان‌های یونانی باستان و سانسکریت هم وجود داشت. در جمله چهارم هم فعل به صورت معلوم آمده است، اما عملی مجهول را بیان می‌کند، با این تفاوت که عمل را به صورت یک رویداد مطرح می‌کند و توجهی به کنشگر ندارد. کنش‌پذیر نهاد جمله است، اگر چه بعد از فعل قرار گرفته است. توجه داشته باشیم که این ترکیب به لحاظ شخص و شمار با فعل مطابقت دارد. ظهور si تمایز آشکار دو جمله بالاست که به نظر می‌رسد، نقش آن ساخت مجهول باشد. اینجا هم با جهت میانه روبرویم، اما با توجه به غلبه معنای مجهول، به آن مجهول میانه گفته می‌شود. ویژگی مهم مجهول میانه، تسلط معنایی آن است، یعنی روابط معنایی مجهول را به جهت میانه وصل می‌کند.

همان طور که مشاهده می‌شود، مسأله کاهش ظرفیت نقشی کلیدی در تعیین جهت دارد و به خوبی تمایز جهت‌ها را نشان می‌دهد. درباره جهت میانه، وجود آن در زبان‌ها و چگونگی ظاهرشدنش بحث بسیار است. در یونانی کلاسیک، جهت میانه اغلب انعکاسی بود، یعنی فاعل کار را روی خود یا برای خود انجام می‌داد، پسر خود را می‌شوید (ویکی پدیا ۲۰۰۹).

سعید هم ساخت‌های انعکاسی و غیرشخصی در برخی زبان‌ها را نوعی مجهول می‌داند

(همان ۱۶۰). در نظر او افعال متعدی با کاهش ظرفیت به یک فعل لازم تبدیل می‌شوند. کنشگر از عملی که توسط فعل بیان می‌شود، تأثیر می‌پذیرد و این تأثیرپذیری انواع دارد: الف- غیرارادی یا خشی: نهاد متحمل فرایندی غیرارادی یا تغییر حالت می‌شود و کنشگر بیان نمی‌شود، نمونه چنین موردی را در ایتالیایی می‌توان دید.

L'acqua si e' versata quasi tutto

۱۱- تقریباً همه آب ریخت

ب- تن‌کاری و عاطفی: کنشگر آشکارا درگیر عمل است و مورد تأثیرپذیری به طور کامل مشاهده می‌شود، فعالیت در ارتباط با بدن یا احساسات اوست.

Si e' arrabbiato e si e' coricato

۱۲- عصبانی شد و دراز کشید

ج- انعکاسی یا بازتابی: در این نوع تأثیرپذیری، عمل کنشگر خود او یا ملک یا بخشی از بدن او را تحت تأثیر می‌گذارد.

Mi vedo nello specchio

۱۳- خود را در آینه می‌بینم

Si pettina

۱۴- موهایش را شانه می‌زند

د- خودبهری: در این نوع تأثیرپذیری عمل کنشگر به نفع خودش انجام می‌گیرد.

Si faccia la doccia

۱۵- او دوش می‌گیرد.

در این مثال‌ها هم‌پوشی جهت میانه و انعکاسی مشهود است، صورتی که در این ساخت‌ها به کار رفته است با عنوان کلی فعل‌های ضمیردار و انعکاسی ذکر شده است که گاه به سختی می‌توان مرز جمله‌های مجهول و غیرشخصی را تشخیص داد. در واقع ساخت‌های غیرشخصی، به گونه‌ای نزدیک شدن به مجهول است، چون به هر حال کنشگر از کانون توجه دور می‌شود و ارجاع عام به هر کنشگری صورت می‌گیرد. معیار تمیز این دو ساخت آن است که در جمله‌هایی که با si مجهول شده‌اند، همواره به طور ضمنی به کنشگر انسانی ارجاع می‌دهند، درحالی‌که در ساخت غیرشخصی چنین نیست.

Si legge il giornale

۱۶- روزنامه می‌خوانند

Si distrusse Dresda

۱۷- دروسدا منهدم شد

کنشگر می‌تواند هم انسان باشد، هم غیرانسان، مثلاً ممکن است کنشگر یک زمین لرزه باشد.

ساخت‌های مجهول

همان‌طور که گفته شد، به دلیل وجود دو جهت مجهول و مجهول میانه، درایتالیایی دو دسته ساخت مجهول دیده می‌شود، یکی از طریق جابجایی کنش‌پذیر و کنشگر و دیگری استفاده از صورت مجهول‌ساز. این دو ساخت، علاوه بر تفاوت‌های کاربردشناختی، به لحاظ رفتار دستوری و همراهی با فعل کمکی نیز با هم اختلاف دارند. در این نوشته صورت اول با عنوان «مجهول سنتی» و دومی با عنوان «مجهول میانه» به کار رفته‌اند که اکنون به چگونگی استفاده از آنها اشاره می‌شود.

مجهول سنتی

این ساخت رایج‌ترین ساخت مجهولی در این زبان است و در تقابل با ساخت معلوم است. در آن ارتقای مفعول به فاعل انجام می‌گیرد و کنشگر می‌تواند در جمله به صورت متمم آورده شود و یا ممکن است به کلی حذف شود. در ایتالیایی، برخلاف انگلیسی، فقط مفعول اول می‌تواند مجهول شود (میدن ۴۲۰).

The student was promised a book

*Allo studente è stato promesso un libro

۱۸- * به دانشجو وعده داده شد یک کتاب

از این نظر دو زبان فارسی و ایتالیایی مشابه هم هستند.

کنشگر با کمک حرف اضافه "da"، "a parte di" در جمله مجهول ظاهر می‌شود. کلیه زمان‌ها و وجه‌های این ساخت مجهولی با کمک فعل کمکی ساخته می‌شوند و وجود فعل کمکی الزامی است، اما از حیث همراهی با فعل کمکی تنوعی دیده می‌شود که علاوه بر تنوع، با تفاوت‌های معنایی و کاربردشناختی هم روبه رویم. اینجا به مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود:

Essere رایج‌ترین فعل کمکی در ساخت مجهول است و کنار اسم مفعول فعل مورد نظر

می‌نشیند و با کلیه زمان‌های ساده و کامل و وجه‌ها می‌تواند همراه شود:

Il meccanico ripara questa macchina

۱۹- مکانیک تعمیر می‌کند این ماشین را (جمله معلوم) (مکانیک این ماشین را تعمیر می‌کند)

Questa macchina e' riparata dal meccanico

۲۰- این ماشین تعمیر می‌شود توسط مکانیک (مجهول) (این ماشین توسط مکانیک تعمیر می‌شود)

Questa macchina e' stata riparata dal meccanico

۲۱- این ماشین تعمیر شد توسط مکانیک (این ماشین توسط مکانیک تعمیر شد)
مجهولی که با فعل essere ساخته می‌شود، می‌تواند دو گونه تعبیر شود. هم تعبیر ایستا و هم پویا. بدین ترتیب که می‌تواند به عمل فعل اشاره داشته باشد که تعبیری پویا در جمله است و یا صرفاً به یک حالت اشاره کند که تعبیری ایستا محسوب می‌شود:

La porta e' aperta

هم می‌توان برداشت کرد که «در باز است» (ایستا) و هم می‌توان آن را این‌گونه تعبیر کرد «در باز می‌شود» که به عمل باز کردن اشاره دارد (پویا). باید توجه داشت که تعبیر ایستایی همان جهت میانه است که پیش‌تراز آن سخن گفته شد.
افعال وجه نما volere, dovere, potere مجهول نمی‌شوند، بلکه مصدر همراه آنها مجهول می‌شود.

Le regole possono essere capite da tutti

۲۲- قوانین می‌توانند فهمیده شوند توسط همه (قوانین توسط همه می‌توانند فهمیده شوند)

Questo dente deve essere curato

۲۳- این دندان باید درمان شود
در ساخت سببی، فقط فعل سببی مجهول می‌شود و مصدر همراه، هیچ‌گاه به حالت مجهول در نمی‌آید حتی اگر معنی مجهول داشته باشد.

Faccio cantare le canzoni a Gianni

۲۴- وادار خواهم کرد به خواندن تصنیف‌ها جانی را (جانی کنشگر و تصنیف‌ها موضوع متأثر از عمل فعل مصدری است) (جانی را وادار به خوانده تصنیف‌ها خواهم کرد).

Nei primi voli faro'affiancare I piloti da un istruttore anziano

۲۵- در اولین پروازها همراه خواهم کرد خلبانان را با یک معلم پیش کسوت (معلم کنشگر است برای مصدر) (در اولین پروازها یک معلم پیش کسوت همراه خلبانان خواهم فرستاد).

اما فعل سببی خود می‌تواند مجهول شود.

Nel 1965 fu fatta approvare dal Parlamento la legge di Riforma

۲۶- در سال ۱۹۶۵ به تصویب درآورده شد توسط پارلمان قانون اصلاحات (در سال ۱۹۶۵ قانون اصلاحات توسط پارلمان تصویب شد)

Venire این فعل هم همراه اسم مفعول می‌آید تا ساخت مجهول بسازد، اما تفاوت‌های اساسی با essere دارد. اول آن که این فعل فقط به صورت پویا تعبیر می‌شود، بنابراین تأکید روی عمل فعل دارد. دوم اینکه venire فقط در ساخت زمان‌های ساده به کار می‌رود و همچنان در زمان‌های کامل از essere استفاده می‌شود.

Questa macchina viene riparata dal meccanico

۲۷- این ماشین تعمیر می‌شود توسط مکانیک (این ماشین توسط مکانیک تعمیر می‌شود)

La porta viene aperta

۲۸- در باز می‌شود (فقط تعبیر پویا)

Era chiaro che i ragazzi venivano maltrattati

۲۹- واضح بود که بچه‌ها مورد بدرفتاری قرار می‌گرفتند.

Sui muri attorno al negozio vengono affissi gli annunci

۳۰- روی دیوارهای دور مغازه چسبانده می‌شوند اعلامیه‌ها (اعلامیه‌ها روی دیوارهای دور مغازه چسبانده می‌شوند)

فعل سببی هم می‌تواند با این فعل مجهول شود.

Prima della seconda Guerra mondiale l'olio di fegato di merluzzo veniva fatto dare dai medici ai bambini con scrupolosa regolarità`.

۳۱- پیش از جنگ جهانی دوم روغن کبد ماهی توسط پزشکان وادار می‌شد به دادن به بچه‌ها با نظمی بسیار (پیش از جنگ جهانی دوم با بی‌نظمی بسیار پزشکان روغن کبد ماهی را به کودکان تجویز می‌کردند).

ساخت venire همراه با اسم مفعول هم چنین نشاندهنده یک واقعه اتفاقی و غیرارادی است.

Per fortuna mi venne fatto di girarmi e vidi che il bambino stava armeggiando alla presa della corrente

۳۲- خوشبختانه به سرم زد یک دوری بزنم و دیدم بچه داشت با پریز برق بازی می کرد. Andare این فعل همراه با اسم مفعول، برای ساخت مجهول به کار می رود و مفاهیم مختلفی را بر مجهول می افزاید که عبارتند از: الف - با افعالی که معانی گم و ناپدید شدن، ویران شدن ورها و فراموش شدن داشته باشند که تاحدی معنی اصلی خود، یعنی رفتن، را حفظ می کند. در این کاربرد، کنشگر به کلی حذف می شود و تأکید روی عمل است.

Nel 1960 a Firenze andarono distrutti capolavori inestimabili

۳۳- در سال ۱۹۶۰ در فلورانس منهدم شدند (به انهدام انجامیدند) شاهکارهایی که نمی توان بر آنها ارزش گذاشت.

ب- با افعال دیگر اجبار و الزام را نشان می دهد و می تواند جایگزین صورت + p.p. deve/devono essere بشود. این ساخت فقط برای زمان های ساده است و به هیچ وجه با زمان های کامل به کار نمی رود.

I conti vanno pagati

I conti devono essere pagati

۳۴- صورت حساب ها باید پرداخت شوند.

Questo dente va curato

Questo dente deve essere curato

۳۵- این دندان باید درمان شود. در این ساخت نهاد دستوری معمولاً بی جان است و به ندرت ممکن است جاندار باشد، در این صورت کنشگر حذف می شود.

I bambini non vanno spaventati con racconti paurosi

۳۶- کودکان نباید ترسانده شوند با داستان های وحشتناک (نباید کودکان را با داستان های وحشتناک ترسانند).

ساخت دیگری که در مجهول سنتی به کار می رود، استفاده از اسم مفعول به تنهایی و بدون فعل کمکی است که به طور طبیعی در قالب یک جمله پیرو ظاهر می شود که با نهاد جمله به لحاظ شمار و جنس مطابقت دارد. معمولاً کنشگر در جمله آورده می شود.

I problemi posti dalla storia sono giunti ad un grado di complicazione tormentosa

۳۷- مشکلات تحمیل شده توسط تاریخ رسیدند به درجه‌ای از وخامت ناراحت کننده (مشکلاتی که تاریخ تحمیل کرده‌است بسیار سخت و ناراحت کننده بوده‌اند).

مجهول میانه

مانند مجهول سنتی نهاد فعل هویتی است که از عمل فعل متأثر شده و فعل با این نهاد به لحاظ شمار و در زمان‌های کامل از حیث جنس مطابقت می‌کند.

In Italia si mangiano molti gelati

۳۸- در ایتالیا خورده می‌شوند بستنی‌های زیادی (در ایتالیا بستنی زیاد خورده می‌شود).
عنصر si با سوم شخص مفرد یا جمع فعل مورد نظر این ساخت را می‌سازد. این ساخت همیشه در تقابل با جمله معلوم متناظرش نیست بلکه بسیار شبیه ساخت غیرشخصی در این زبان است، اما تمایز اصلی آن است که این عنصر، تنها اگر با فعل متعدی، همراه شود و به این شکل موجب کاهش ظرفیت آن شود، شبیه آنچه در مجهول سنتی رخ می‌دهد، می‌تواند مجهول ساز باشد.

Si legge il giornale

۳۹- خواننده می‌شود روزنامه (روزنامه می‌خوانند).
به علاوه این ساخت متضمن وجود یک کنشگر انسانی است. در این ساخت کنشگر حذف می‌شود.

Allo studente si promise un libro

۴۰- به دانشجو وعده داده شد یک کتاب.
این ساخت با افعال وجه نما هم ظاهر می‌شود.

Si deve curare questo dente

۴۱- باید درمان شود این دندان (این دندان باید درمان شود).
باید توجه داشت که این عنصر، هم به مصدر، هم به وجه نما می‌چسبد و مجهول می‌سازد.

Cose del genere non si possono dire in pubblico

Cose del genere non possono dirsi in pubblico

۴۲- چیزهایی از این قبیل نباید گفته شوند در ملاء عام (نباید در ملاء عام چنین چیزهایی گفته شوند).

مفهوم مجهول در جمله دوم قویتر است و زمان‌های ساده و کامل، و نیز وجه‌های

مختلف افعال، با این عنصر می‌توانند مجهول‌ساز باشند. این امر درباره صورت‌های نامعین این زبان هم صادق است.

Non vedendosi nessuno in giro, il ragazzo decise di uscire dal suo nascondiglio

۴۳- با دیده نشدن کسی در حال عبور، پسر تصمیم گرفت خارج شود از مخفیگاهش (چون کسی عبور نمی‌کرد، پسر تصمیم گرفت از مخفیگاهش خارج شود).
برای بیان زمان‌های کامل، تنها از یک فعل کمکی استفاده می‌شود که همان essere است.

Si e' tagliata la torta

۴۴- بریده شد کیک (کیک بریده شد).

در این ساخت تمایل به آمدن نهاد بعد از فعل است.

Si vedono le stelle

۴۵- دیده می‌شوند ستاره‌ها.

نتیجه

در این بررسی، با استفاده از نظریه ظرفیت، مشخص شد که زبان ایتالیایی از سه جهت معلوم، مجهول و میانه برای طرح مسائل از زوایای گوناگون سود می‌برد. در جهت میانه مفهوم مجهول مسلط است، به همین دلیل باید از مجهول میانه سخن گفت. همین طور نشان داده شد که ساخت‌های مجهول امکانی دستوری فراهم می‌آورند تا با کاهش ظرفیت یک فعل، ساختار ظرفیتی جمله را تغییر دهیم و توجه را به جنبه‌ای خاص از سخن معطوف سازیم.

مهمترین نقش ساخت‌های مجهول در زبان‌ها، تمرکز زدایی کنشگر است، به طوری که گاه حتی حذف می‌شوند. مجهول در برخی زبان‌ها مجهول، ساز و کاری برای مبتداسازی هم به شمار می‌رود. در ایتالیایی دو نوع مجهول مبتداساز و غیر مبتداساز وجود دارد که در مجهول سستی امکان مبتداسازی کنش‌پذیر غلبه دارد، اما در شمار زیادی از مجهول‌ها، به‌ویژه مجهول‌های میانه، تأکید بیشتر روی عمل فعل و یا حتی مبتداسازی عنصر دیگری در جمله است.

در ساخت‌های مختلف مجهول، میزان توجه به کنشگر متفاوت است، به طوری که در بعضی جمله‌ها اختیاری و در برخی دیگر به کلی حذف می‌شود. در مجهول‌های ضمیردار امکان بازگشت کنشگر وجود ندارد. این مسأله موجب می‌شود که گوینده تاحد ممکن از گفتن آن چه مورد نظرش نیست، خودداری کند و با عباراتی که قطعی نیست، اما ظاهری مطمئن دارد، سخن بگوید (دانلر ۳۰۵-۳۲۴). جمله‌های مجهول در این زبان به لحاظ ساخت و

استفاده از فعل کمکی و نیز کاربردهای گوناگون قابل توجه‌اند.

Bibliography

- Esmaili Fard. Zahra. (1387/2008). "Barrasye Nahad Dar Zabane Italiiai Bar Asase Nazaryeye Martine". Pajuheshe Zabanhaye Khareji. 45:5-15.
- Bussmann. Hadumod .1996. *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*. London: Routledge.
- Ciliberti M. (1973). *la lingua del si* .Torino:Giunti.
- Danler Paul 2006." parlare senza dirlo" . Journal of Language and Politics5:3. 305-324.
- Giacalone Ramat Anna (2006). "Strategie di costruzione dell'annunciato nell'italiano di apprendenti". in zhi. scritti in onore di Emanuele banfi .642-648.
- Katerinov Katerin (1975). *La Lingua Italiana per stranieri.corso medio*. Perugia:Guerra
- . 1985. *La lingua Italiana per stranieri . corso elementare* . P erugia :Guerra.
- Kemmer Suzanne (1993). *The Middle Voice* . Philadelphia: John Benjamins njamins.
- Maiden Martin & Cecilia Robustelli . 2000. *A ReferenceGrammar of Modern Italian* . London:Arnold.
- Oerberg Hans H. (1954). *Lingua Latina* .volumen 1 Copenhagen. Nature Method Institutes.
- Pittano Giuseppe (1987). *Lingua*. Milano:Scolastiche Bruno Mondadori.
- Pugliese Pasquale (1974). *Proprieta` e stile* Marietti Editori.
- Saeed Kphn (1997). *Semantics*.Oxford:Blackwell.
- Sambugar C.A. 1964. *Lingua armoniosa*. Firenze:La Nuova Italia.
- Sanso` Andrea 2001. "La Diatesi Passiva come categoria` complessa: un'analisi contrastive italiano – spagnolo" .www.societadilinguisticaitaliana .org.
- . 2001 "Degrees of Event Elaboration : Passive Constructions in Italian and Spanish". The Linguist. Dissertation Abstracts.
- Savino Ezio. Giulia Toschi (1991). *Dal Segno al Testo*. Milano:Edizioni AP.E. Mursia.
- Serianni Luca (2002). *Italiano*. Torino:Garzanti.
- Shibatani Masayoshi. (1988). *Passive and Voice*.Amsterdam: John Benjamins
- <http://en.wikipedia.org>.2009
- <http://www.mauriziopistone.it>
- <http://www.II Gur Italian Grammar .Lesson 55>.2009